

همبستگی با زندانیان سیاسی

یکصد ساعت همبستگی با زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

رادبو آلمان - چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

در فرانسه کمیته با مشارکت شماری از سازمانها با نخله های گوناگون تشکیل شده، بنام «کمیته یکصد ساعت همبستگی با زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران». این کمیته از امروز چهارشنبه ۲۸ ژوئیه (۷ مردادماه) در میدان باستیل شهر پاریس به مدت یکصد ساعت برنامه هایی در همبستگی با زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران برگزار می کند. آنها می خواهند هیئت مستقلى برای بررسی وضعیت زندانیان سیاسی به ایران اعزام شود و پرونده قتل زهرا کاظمی توسط دادگاه های صلاحیتدار بین المللی رسیدگی شود. آقای بهروز فراهانی، سخنگوی این کمیته به پرسش های صدای آلمان در این زمینه پاسخ گفت.

مصاحبه گر: داود خدابخش

دوچه وله: آقای فراهانی، کمیته ای تحت عنوان «کمیته ی یکصد ساعت همبستگی با زندانیان سیاسی / عقیدتی در ایران» از امروز برنامه ای در پاریس دارد. شما سخنگوی این کمیته هستید. این کمیته از چه سازمانهایی تشکیل شده و برنامه ی آن چیست؟
بهروز فراهانی: این کمیته ای که تشکیل شده، متشکل است از «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران»، «فورم اجتماعی ایران»، «کمیته ی ضدسنگسار»، «اتحاد نیروهای کمونیست و چپ»، «انجمن دیدار و گفت و گو»، «ایرانیان جمهوریخواه دمکرات و لائیک در پاریس»، «کمیته ی اقدام برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران» و به اضافه ی شخصیت ها و ایرانیانی که متعلق به گروهی نیستند، ولی در اعلامیه ای که ما داده ایم حمایت خود را از آن اعلامیه اعلام کرده اند. ابتکار این را هم چند نفر از دوستانی که در رابطه با آزادی های سیاسی و مدنی در ایران فعال هستند، به عهده داشته اند. وقتی که خبر اعتصاب غذای زندانیان رسید و چون و چند آن بیشتر روشن شد، ما تصمیم گرفتیم که اقدامی بکنیم که فراتر از این با آن گروه برود.

همانطوری که خود شما حتما توجه کرده اید، انجمن ها و کمیته هایی که نام بردم، طیف کاملا متنوعی از گرایشات سیاسی و نظری را دربرمی گیرد و قرار بود در رابطه با این اقدام حتی المقدور تلاش بشود اتحاد عملی گسترده از همه ی نیروهای ممکن باشد تا بتوانیم به خصوص با توجه به سیاست سانسور و انکاری که رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با این اقدام به غایت شجاعانه زندانیان سیاسی در ایران پیش گرفته بود، این سد سکوت را در خارج بشکنیم و به خصوص این بالماسکه ای که تحت عنوان محاکمه ی قاتلان خانم کاظمی در همین مدت در جریان بود، بلندگویی باشیم برای رساندن صدای آنان به افکار عمومی جهانی و در درجه ی اول در کشوری که هستیم، یعنی فرانسه. ابتکار عمل این حرکت از چند نفر افرادی که از گروههای مختلف آمده بودند، در دست گرفته شود و فراخوان این اقدام را آنها دادند و این کمیته چند روز پیش توانست با پلیس فرانسه تماس گیرد و تا مقدمات آن را فراهم کنیم که امروز کار خود را شروع کنیم، خبر خوش پایان اعتصاب را هم شنیدیم. اما از آنجایی که هدف تنها این اعتصاب غذا نبود، بلکه افشاگری از وضعیت ویژه ای که در حال حاضر در ایران وجود دارد، می باشد و به خصوص روشی که رژیم ایران در رابطه با زندانیان سیاسی - عقیدتی در پیش گرفته بود، ما تصمیم گرفتیم این ۱۰۰ ساعت را برگزار کنیم. این اقدام به حالت تحسن و ایستاده در میدان باستیل پاریس می باشد و الان که با شما صحبت می کنم چادر خود را هم بپا کرده ایم و میزها را هم گذاشته ایم و با علاقمندانی که حاضرند در اینجا پای میزها بایستند و اعلامیه پخش کنند و صدای این زندانیان را به گوش مردم برسانند، همه جمع شده ایم و در حال پخش اعلامیه و دادن شعار هستیم.

دوچه وله: آیا سازمانهای فرانسوی هم در این برنامه مشارکت دارند یا اعلام همبستگی کرده اند؟
بهروز فراهانی: از سازمانهای فرانسوی که تاکنون با آنها در تماس بوده ایم، سندیکای کارگری مثل «CGT»، «سوت» و یا «گروه ده نفر» که همه پیامهای حمایتی خود را داده اند و ما از آنها خواهش کرده ایم که متن پیامها را برای ما ارسال کنند تا آن را در اختیار همکاران خود قرار بدهیم. و امیدواریم که بتوانیم يك کنفرانس مطبوعاتی هم در اینجا برگزار کنیم و پیام این زندانیان سیاسی را به گوش مردم برسانیم.

دوچه وله: ممکن است کوتاه توضیح دهید که خواست این «کمیته ی همبستگی چیست»؟

بهرورز فراهانی: به طور مشخص آن چه که ما خواهانش هستیم، اعزام هیاتی برای ملاقات با زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران و به طور ویژه موضوع ملاقات با آقایان ناصر زرافشان، احمد باطنی و دیگران است و همینطور بررسی دادگاه قتل خانم زهرا کاظمی، نه توسط دادگاههای فرمایشی رژیم جمهوری اسلامی ایران، بلکه توسط مراجع بین المللی در دست گرفته شود و پیگیری شود. این دو خواست مشخصی است که ما در این رابطه داریم. و نیز فرستادن این هیاتهای مستقل به ایران و وادار کردن دولت‌های اروپایی جهت مطرح کردن این مسایل در روابط و مناسباتی که با ایران دارند.

مجموعه گزارشات امروز «روزنامه» از ناآرامیهای بند یک زندان اوین روزنامه - چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

در پی درگیری و ضرب و شتم در زندان اوین؛ 4 زندانی سیاسی به مرخصی آمدند
روزنامه: در پی ایجاد درگیری و ضرب و شتم آقای دکتر ناصر زرافشان، وکیل مدافع شجاع قتل‌های زنجیره ای در زندان، که به گفته پدر دکتر فرزاد حمیدی، به تحریک یکی از زندانیان بند یک زندان اوین به نام «امیر-ف» و به سردستگی یکی از برجسته ترین افراد زندانی کمیته انقلاب و برپا کننده ی خانه های امن به نام اسماعیل افتخاری صورت گرفت، صبح دیروز «امیر-ف» مجدداً از سوی مسئولان زندان به مرخصی فرستاده شد.

گفتنی است، مقامات زندان اوین با توجه به فشار افکار عمومی که نگران وضعیت جسمی برخی از زندانیان سیاسی اعتصاب غذا کننده، از جمله دکتر ناصر زرافشان و احمد باطنی بوده اند، مجبور به دادن مرخصی به آنها نیز شدند.

به گزارش «روزنامه» احمد باطنی دیروز و دکتر ناصر زرافشان امروز برای مرخصی از زندان اوین خارج شدند.

چند روز پیش نیز، یکی دیگر از زندانیان سیاسی بند یک زندان اوین به نام امید عباسقلی نژاد از زندان به مرخصی آمده بود.

در پی درگیری و ضرب و شتم در زندان اوین؛ سعید ماسوری به سلول انفرادی منتقل شد
به گزارش «روزنامه» به نقل از یکی از خانواده های زندانیان سیاسی، صبح امروز در پی ناآرامی مجدد در بند یک زندان اوین، یکی از زندانیان سیاسی به نام «سعید ماسوری»، محکوم به حبس ابد که از اعضای سازمان مجاهدین خلق می باشد، به سلول انفرادی بند 240 در زندان اوین منتقل شد. گفتنی است گروه فشار بند یک زندان اوین عامل اصلی این انتقال بوده است.

در پی درگیری و ضرب و شتم در زندان اوین؛ غلامرضا اعظمی مجدداً دست به اعتصاب غذا زد
به گزارش «روزنامه» بنا بر اخبار رسیده از زندان ناآرام اوین، در پی آزار و اذیت زندانیان سیاسی بند یک زندان اوین توسط برخی از عوامل گروه فشار آن بند، غلامرضا اعظمی، یکی از زندانیان سیاسی اعتصابی که چند روز پیش همراه با دیگر زندانیان به اعتصاب غذای خود پایان بخشیده بود، به عنوان اعتراض مجدداً دست به اعتصاب غذا زد. وی اینبار به نشانه اعتراض و انزجار شدید، دست به اعتصاب غذای «خشک» زده است.

عامل اصلی سوء قصد به جان دکتر زرافشان را بهتر بشناسید!

روزنامه - چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

روزنامه، پریسا روانکاو: اگر می خواهید بدانید ضارب اصلی آقای دکتر ناصر زرافشان، وکیل مدافع شجاع قتل‌های زنجیره ای در زندان اوین، که دو روز پیش در پایان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به وی و گروه دیگری از زندانیان سیاسی حمله ور شد، کیست و چه سابقه ای دارد، با من در این نوشتار همراه شوید.

حتماً در خبرها خوانده اید که گروهی از زندانیان سیاسی بند یک زندان اوین (حدود 12 نفر)، در روز 15 تیر ماه سال جاری، به مناسبت رسیدن به پنجمین سالگرد فاجعه خونین 18 تیر ماه، اعتصاب غذای خود را آغاز کرده و با یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به منزل آقای مصطفی پیران و تخلیه اجباری آن منزل از سوی آنان و بی خانمان شدن آن خانواده، آن را به نقطه اوج اعتراضی خود رساندند.

در پی یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به منزل آقای مصطفی پیران، وی پلاکارتی درست می کند و بر روی آن، آنچه را می نویسد که دلش می خواهد، که حقش است، که اگر هر کسی جای او بود نیز چنین می کرد. وی پلاکارت را به دستان خود می گیرد و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی نیز آن دستان را به زنجیر.

به این شرح، مصطفی پیران نیز همچون فرزند خود؛ پیمان پیران که به تازگی از آلمان به تهران بازگشته، به زندان اوین منتقل می شود.

اگر از گزارشات ضد و نقیض اعتصاب غذای زندانیان سیاسی (که همه اش بر می گردد به عدم انتشار کامل بیانیه های رسمی اعتصابیون زندان اوین در رسانه های خبری ایرانی و آنهم به بهانه زیر سوال رفتن برخی از چهره های سیاسی مورد علاقه برخی از رسانه های لس آنجلسی!) بگذریم، می رسمیم به شب پایان این اعتصاب غذا که در پی درخواست جمعی از سازمانهای سیاسی، از جمله دفتر تحکیم وحدت و کوشندگان سیاسی داخل و خارج از کشور، زندانیان سیاسی بند یک زندان اوین،

پس از 20 روز، شام را در اتاق آقای دکتر ناصر زرافشان خوردند ولی در پایان شب برخی از زندانیان خطرناک بند که به گفته دکتر فریبرز رئیس دانا و تقی حمیدی؛ پدر یکی از زندانیان سیاسی بند یک زندان اوین، به تحریک «امیر-ف» و به سرپرستی فردی به نام اسماعیل افتخاری، معروف به امسال تیغ زن، به زندانیان اعتصابی به خصوص آقای دکتر ناصر زرافشان حمله ور شده و با زهم به گفته خانواده های زندانیان سیاسی، با چاقو و میله به جان آنها سوء قصد می کنند.

یکی از زندانیان سیاسی نیز در تماس با خانواده خود گفته است که عامل تحریک؛ یعنی «امیر-ف» در حین درگیری، فریاد می کشد و خطاب به حمله کننده گان و رو به دکتر ناصر زرافشان می گوید: «بکشید این را تا راحت شویم.»

سایت "روزنامه" که در سکوت تمامی محافل خبری فارسی زبان، تنها بازتاب دهنده این ماجرا بود برای تأیید این ماجرا با خانواده دکتر فرزند حمیدی تماس گرفت و با تقی حمیدی گفتگو کرد و وی صحت اخبار یورش شبانه به زندانیان سیاسی و دکتر ناصر زرافشان را تأیید نمود.

پدر دکتر فرزند حمیدی همچنین از بی تفاوتی مسئولان زندان نسبت به این یورش شبانه خبر داد و گفت گویا مسئولان زندان موافق این حمله بوده اند، چرا که هیچگونه اقدامی در جهت توقف درگیری انجام ندادند.

اما هر حال فردای این یورش، «امیر-ف»، که برخی از زندانیان سیاسی معتقد هستند، وی عامل تحریک زندانیان خطرناک برای حمله به دکتر ناصر زرافشان بوده برای سومین بار طی دو هفته اخیر به مرخصی فرستاده می شود!

امروز نیز مقامات زندان، شاید از بابت خم شدن کمرشان در برابر فشار افکار عمومی که نگران سلامت جان دکتر ناصر زرافشان هستند، وی را همچون احمد باطنی به مرخصی فرستاد.

احمد باطنی که دیروز به مرخصی فرستاده شده در گفتگو با رادیو فردا با تأیید حمله به دکتر ناصر زرافشان گفت: «بکشنبه شب اتفاقی که افتاده بود این بود که خیلی از دوستان فعال خارج از زندان از بچه های داخل خواسته بودند با توجه به آنچه که تقریباً آن چیزهایی که مد نظرمان بود به دست آورده بودیم، خواسته بودند که اعتصاب غذا را بشکاییم، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، و یک مقدار هم اعتصاب برای بچه ها مشکل شده بود. با توجه به اینکه هدف بچه ها تأمین شده بود، اعتصاب شکسته شد، و سپس همراه آقای ناصر زرافشان شام خوردند. منتها داخل زندان اوین به غیر از سیاسی ها زندانیان عادی هم هستند، که دربند زندانیان سیاسی هم نگهداری می شوند. خواسته هایشان متفاوت است، برخوردشان متفاوت است، انگیزه شان متفاوت است. اینها چندان برایشان خوشایند نبود اعتصاب غذا به خاطر اینکه یک سری عواقبی داشت، مثلاً تلفن ها را قطع کردند، و در بندها را بسته بودند. و اینها معتقد بودند که این را شما باعث شدید که به این شکل شده است. به هر ترتیب ناراحتی و درگیری ایجاد شد، توهین کردند، فحاشی کردند به بچه های سیاسی و اعتصابی و آقای درخشان. بچه ها سعی کردند درگیری ایجاد نکنند. فردای آن شب، یعنی دیشب، آمدم بیرون، به من مرخصی دادند، به همراه چند تا از بچه های دیگر. آقای درخشان را هم امروز شنیدم که آمدند. ظاهراً پس از آنکه من رفتم یک درگیری دیگر به وجود آمد که نیروهای ویژه، گارد زندان آمد دخالت کرد و درگیری خاتمه پیدا کرد.»

اما می رسیم به سرپرست گروه فشار بند یک زندان اوین، یعنی آقای اسماعیل افتخاری، معروف به اسماعیل تیغ زن.

اسماعیل افتخاری که به هزار و یک اتهام از جمله کلاهبرداری، اخاذی، زورگیری، آدم ربایی و برپا کردن خانه های امن و ... در زندان اوین و متاسفانه در کنار محکومان سیاسی جا خوش کرده است، به نوشته رونامه اعتماد به تاریخ 23 مهر ماه سال گذشته که جریان دادگاه وی را منعکس کرده بود؛ در طول سالهای 54 تا 61 کارمند صنایع پشتیبانی و هلی کوپترسازی کشور بود که با سوءاستفاده از شرایط زمان آغاز انقلاب در مراکز مختلفی نظیر بنیاد مستضعفان و جانبازان، سد معبر، امور حراست، شهرداری و ... مشغول به کار شد و در زمانی که در کمیته کار می کرد با سوء استفاده از قدرت خود به اعمالی نظیر آدم ربایی، کلاهبرداری، خروج میراث فرهنگی از کشور، ایجاد رعب و وحشت، تهدید، جعل عنوان و ... دست زده است.

اسماعیل افتخاری که به نوشته روزنامه های چاپ تهران، رییس گروه ضربت کمیته سابق منطقه 12 تهران بوده در یکی از جلسات محاکمه خود که در مجتمع شهید بهشتی و با حضور تعداد زیادی از شاکیانش برگزار شده بود گفته است: من در زمان خدمت در کمیته، 6000 نفر را بازداشت کرده ام حالا یادم نیست که کدام را برای چه دستگیر و بازداشت کرده ام.

وی که بر پا کننده خانه های امن در اوایل انقلاب نیز بوده در سال 76 دختر 16 ساله ای را می رباید و در کمال وقاحت به وی تجاوز می کند.

مادر دختر 16 ساله که توسط مرد هزارچهره در سال 76 ربوده شده و آزار جنسی دیده بود در جلسه دادگاهی که سال گذشته در مجتمع شهید بهشتی تهران برپا شده بود گفت: «آن روز تابستانی شوهرم از محل کارش تماس گرفت و خواست بسته یی را برایش به محل کار او ببرم چون فاصله خانه ما تا محل کار شوهرم کم بود به دخترم که محصل بود دادم تا برای پدرش ببرد. وقتی دخترم رفت ساعت یک و ربع بود و می بایست حداکثر یک ربع به ساعت دو برمی گشت اما خبری از او نشد. به

شوهرم زنگ زد و او گفت خیلی وقت است که دخترمان به خانه برگشته ولی دخترم نیامد. همه جا را جست و جو کردیم ولی نتیجه‌ی نگرفتیم. سه ساعت بعد دخترم در حالی که از ترس شوکه شده بود و قادر به حرف زدن نبود به خانه برگشت. او بعداً تعریف کرد که هنگام بازگشت از محل کار پدرش در میدان هفت‌تیر با مردی که خود را تیمسار احمدی مامور اطلاعات معرفی کرده و از مدتی قبل او را تعقیب می‌کرده، روبرو شد. دخترم گفت این مرد (یعنی اسماعیل افتخاری) که سوار بر ماشین کمیته بود، مرا سوار پاترول کرد و به خانه‌ی برد و ضمن بازجویی به من گفت: تو عضو گروه خرابکارها هستی و باید اسم رمز، مدارک و اسناد گروه‌کمی را به ما بدهی. اما من که از این حرف‌ها سر در نمی‌آوردم به او گفتم من دختری محصلم و با هیچ گروه‌کمی و باندهای فعالیت ندارم... ولی تیمسار قلابی «که همان اسمال‌تیغ‌زن بود» پس از آزار و اذیت جنسی مرا سوار ماشین کرد و هنگام پیاده کردن در خیابان گفت حق نداری با هیچ‌کس حرف بزنی و از تهران خارج شوی.»

و حال شرح چند نمونه دیگر از اتهامات این مرد هزار چهره جمهوری اسلامی را که به نقل از روزنامه اعتماد سال گذشته بخوانید:

اعتماد: محاکمه مرد هزار چهره در دادگاه جنایی تهران آغاز شد:

23 مهر - اعتماد: دومین جلسه محاکمه اسماعیل افتخاری معروف به «اسمال تیغ‌زن» روز گذشته در شعبه هشتم دادگاه کیفری شهید بهشتی تهران با حضور تعدادی از شاکیان حقیقی و حقوقی و به اتهام کلاهبرداری، اخاذی، زورگیری و آدم‌ربایی برگزار شد.

در جلسه روز گذشته محاکمه وی که به مرد هزار چهره نیز معروف شده است و سالها پیش مدتها رییس گروه ضربت کمیته سابق منطقه 12 بود، شاکیان به شرح گوشه‌ی بی از شکایت‌های خود علیه این مرد پرداختند. براساس پرونده اتهامی این مرد در طول سالهای 54 تا 61 کارمند صنایع پشتیبانی و هلی‌کوپترسازی کشور بود که با سوءاستفاده از شرایط زمان آغاز انقلاب در مراکز مختلفی نظیر بنیاد مستضعفان و جانبازان، سد معبر، امور حراست، شهرداری و... مشغول به کار شد و در زمانی که در کمیته کار می‌کرد با سوء استفاده از قدرت خود به اعمالی نظیر آدم‌ربایی، کلاهبرداری، خروج میراث فرهنگی از کشور، ایجاد رعب و وحشت، تهدید، جعل عنوان و... دست زده است.

در جلسه دیروز یکی از شاکیان پرونده گفت: در آغاز فعالیت یک تعاونی که قصد راه‌اندازی و توسعه آن را داشتیم قرار شد شرکتی به نام «گلف اجنسی»، برای کمک به ما که موسسان آن رزمندگان بودند، یک کشتی 600 تنی را خارج از مرزها به تعاونی ما بفروشد. نماینده تعاونی ما اسماعیل افتخاری بود که با شرکت گلف اجنسی وارد معامله شد، اما وی در یک کار متقلبانه کشتی را به نام خود خرید و سند آن را که با تسهیلات ویژه مورد معامله قرار گرفته بود، به نام خود ثبت کرد که بعد از اطلاع از این موضوع ما اعضای هیات‌مدیره از این کار، به مراجع قضایی شکایت کردیم. در پیگیری پرونده متوجه شدیم که افتخاری یک دانگ کشتی را تاکنون به چندین نفر فروخته و از افراد مختلف با این عنوان که می‌تواند برای آنها مجوز ملوانی بگیرد، مقادیر زیادی رشوه دریافت کرده است.

شاکی دیگر پرونده خانم مریم رضانی همسر محمد رضانی بود که اسماعیل افتخاری با استفاده از نفوذ خود ده سال این مرد را بی‌گناه به زندان انداخته و سرانجام باعث مرگ وی شده بود.

این زن گفت: همسرم مغازه‌ی داشت در خیابان گیشا که اسماعیل قصد داشت با حقه و نیرنگ این مغازه را از چنگ‌اش در بیاورد اما شوهرم حاضر به این کار نمی‌شد. ولی اسماعیل با استفاده از قدرت خود برای شوهرم پاپوش درست کرد و او را به زندان انداخت و سالها تحت شکنجه قرار داد. زمانی که بعد از چند سال پیگیری برای اثبات بی‌گناهی همسرم به یکی از قضات دادگاه مراجعه کردم، معلوم شد اصلاً پرونده‌ی برای شوهرم تشکیل نشده است. پس از سالها شوهرم از زندان آزاد شد اما بخاطر شکنجه‌هایی که متحمل شده بود دچار بیماری شد و فوت کرد. از آن گذشته آبروی ما پیش همه رفت، چون مردم خانواده ما را کلاهبردار و سابقه‌دار می‌شناختند، در صورتی که شوهرم و ما قربانی طمع و جنایات اسمال‌تیغ‌زن شدیم.

عزیزه برومند همسر یکی دیگر از شاکیان گفت: اوایل انقلاب همسرم زمین مرغوبی در چالوس خرید بود که با تلاش زیاد آنجا را به باغ و ویلا تبدیل کرد که ارزش آن در همان موقع 12 میلیون تومان بود. یک روز شوهرم به خانه آمد در حالی که بشدت مجروح شده بود. او گفت: عده‌ی من را گرفته‌اند و پس از بستن دست‌ها و چشم‌هایم با تهدید و ضرب و جرح مرا به محل ناشناسی برده‌اند و از من مدارکی برای واگذاری باغ به اسماعیل تیغ‌زن گرفته‌اند به اضافه یک چک سفیدامضا که بعداً فهمیدم مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان از موجودی همسرم برداشت کرده‌اند.

مادر یک دختر 16 ساله که توسط مرد هزارچهره در سال 76 ربوده شده و آزار جنسی دیده بود در جلسه دیروز گفت: آن روز تابستانی شوهرم از محل کارش تماس گرفت و خواست بستگی را برایش به محل کار او ببرم چون فاصله خانه ما تا محل کار شوهرم کم بود به دخترم که محصل بود دادم تا برای پدرش برود. وقتی دخترم رفت ساعت یک و ربع بود و می‌بایست حداکثر یک ربع به ساعت دو برمی‌گشت اما خبری از او نشد. به شوهرم زنگ زد و او گفت خیلی وقت است که دخترمان به خانه برگشته ولی دخترم نیامد. همه جا را جست و جو کردیم ولی نتیجه‌ی نگرفتیم. سه ساعت بعد دخترم در حالی که از ترس شوکه شده بود و قادر به حرف زدن نبود به خانه برگشت. او بعداً تعریف کرد که هنگام بازگشت از محل کار پدرش در میدان هفت‌تیر با مردی که خود را تیمسار احمدی مامور اطلاعات معرفی کرده و از مدتی قبل او را تعقیب می‌کرده، روبرو شد. دخترم گفت این مرد (یعنی اسماعیل افتخاری) که سوار بر

ماشین کمیته بود، مرا سوار پاترول کرد و به خانه‌ی برد و ضمن بازجویی به من گفت: تو عضو گروه خرابکارها هستی و باید اسم رمز، مدارک و اسناد گروه‌کشی را به ما بدهی. اما من که از این حرف‌ها سر در نمی‌آوردم به او گفتم من دختری محصلم و با هیچ گروهک و باندهی فعالیت ندارم... ولی تیمسار قلابی «که همان اسمال‌تیغ‌زن بود» پس از آزار و اذیت جنسی مرا سوار ماشین کرد و هنگام پیاده کردن در خیابان گفت حق نداری با هیچ‌کس حرف بزنی و از تهران خارج شوی.

در ادامه شکایان دیگری نیز شکایت خود را از اسماعیل افتخاری مبنی بر کلاهبرداری، اخاذی و... مطرح کردند. بر اساس پرونده اسماعیل دارای 4 شناسنامه است که با عکس‌هایی که با کلاه گیس‌های مختلف انداخته بود و زمانی که در صدد گرفتن پنجمین شناسنامه بود، بازداشت شد. وی همسر و 4 فرزند دختر دارد که سالها است در ترکیه زندگی می‌کنند و او برای تهیه مخارج زندگی آنها دست به هزاران عمل خلاف زده است. قبلاً پرونده اسماعیل افتخاری در ارتباط با جاسوسی و مواد مخدر در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران مورد رسیدگی قرار گرفته و دادگاه او را به 8 سال حبس تعزیری محکوم کرده که حکم وی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران قطعی شده است.

اسمال تیغ زن در هفتمین جلسه دادگاه: من در زمان کمیته 6 هزار نفر را بازداشت کرده‌ام و ادعاهای شاکیان را به خاطر نمی‌آورم:

اعتماد: هفتمین جلسه رسیدگی به پرونده اسماعیل افتخاری معروف به اسمال تیغ‌زن رییس گروه ضربت کمیته سابق منطقه 12 تهران در شعبه هشتم دادگاه شهید بهشتی برگزار شد.

در جلسه دیروز عده‌ی از شاکیان به طرح شکایت خود پرداختند. یکی از شاکیان که جهانخس نام دارد گفت: اوایل انقلاب مبلغ 700 هزار تومان رنگ برای رنگ‌آمیزی کشتی به اسمال فروختم ولی او در مقابل به من سفته داد که هیچ یک از سفته‌ها را وصول نکردم. پس از این شکایت قاضی دادگاه اسمال را به پرداخت 700 هزار تومان پول رنگ‌ها به اضافه مبلغ 1600 ریال هزینه دادرسی و پرداخت ضرر و زیان طبق شاخص بانک مرکزی محکوم کرد.

شاکی دیگر مردی به نام حسن پور بود که با ویلچیر وارد دادگاه شد و به قاضی گفت: من اوایل انقلاب وضع مالی خوبی داشتم. یک سالن چلوکبابی به اضافه 2 ماشین بنز و 2 خانه داشتم. اسمال تیغ‌زن مبلغ 700 هزار تومان از من پول گرفت ولی وقتی بعد از چند ماه پولم را طلب کردم او مرا در کمیته بازداشت کرد و تحت شکنجه و آزار و اذیت قرار داد ولی با کمک پسرعمه‌ام که برایم سند گذاشت، آزاد شدم. وقتی بیرون آمدم فهمیدم اتومبیل بنز را عوامل اسمال تیغ‌زن متلاشی کرده و به من خسارت وارد کرده‌اند که قاضی در این مورد هم اسماعیل افتخاری را به اتهام تخریب بنز و اخذ مال به عنف محکوم کرد، اما وی ادعاهای شاکی را رد کرد و گفت من این کار را نکرده‌ام.

اسماعیل افتخاری در ادامه اظهارات خود گفت: من در زمان خدمت در کمیته 6000 نفر را بازداشت کرده‌ام حالا یادم نیست که کدام را برای چه دستگیر و بازداشت کرده‌ام. شاکی بعدی پسر شخصی بود که اسماعیل افتخاری یک کشتی را به مبلغ 250 هزار تومان از او خریده بود ولی پولی بابت کشتی به آنها نداده بود اما متهم این موضوع را قبول نکرد و گفت من 5 سال است که در زندانم و هیچ استفاده‌ی از آن کشتی نکردم. قاضی دادگاه هم به شاکی گفت: چون فروشنده کشتی پدربوده، خودش باید در دادگاه حاضر شود و تو نمی‌توانی در این مورد شاکی باشی.

همچنین خانواده «منطقی» مردی که اسمال تیغ‌زن خانه وی را به آتش کشیده بود و همسر باردارش بر اثر آتش‌سوزی سقط جنین کرده بود، در دادگاه حضور داشتند که متهم به حضور آنها اعتراض کرد و گفت در جلسات قبلی آنها شکایت خود را عنوان کرده‌اند. چرا دوباره به دادگاه آمده‌اند؟ اما قاضی گفت: تمام شاکیان می‌توانند در تمام جلسات دادگاه حاضر باشند و تو حق اعتراض نداری.

در این جلسه «فرشته»، همسر منطقی گفت: من چند بار توسط اسمال تیغ‌زن با اسلحه تهدید شدم تا آنکه آن روز خانه ما را آتش زد و من بچه‌ام را از دست دادم. آخرین جلسه محاکمه اسمال تیغ‌زن امروز (سه‌شنبه) در شعبه هشتم دادگاه شهید بهشتی برگزار خواهد شد.

استفاده از مطالب و اخبار "روزنامه" فقط با ذکر منبع آن مجاز است!

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

مسئول سازمان بازنشستگی فرهنگیان اعلام کرد که شب گذشته دبیر کل کانون صنفی معلمان همدان دستگیر شد.

چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

معارفی، مسئول سازمان بازنشستگی فرهنگیان در گفت و گو با خبرنگار سرویس اجتماعی ایلنا، گفت: در پی دستگیری دبیر کانون صنفی معلمان تهران، شب گذشته دبیر کل کانون صنفی معلمان همدان نیز دستگیر شد و از وضعیت وی اطلاعی نداریم.

وی افزود: علت دستگیری دبیر کانون صنفی معلمان همدان نیز روشن نیست.

به گفته معارفی، گویا قرار است این دستگیری‌ها ادامه داشته باشد و از همدان آغاز شده است.

نقض حق کار و امنیت شغلی روزنامه نگاران در ایران

کیواندخت قهاری- رادیو آلمان: چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

روزنامه نگاران ایران اینک همچون دیگر لحظه های حساس در تاریخ معاصر ایران که نیاز به خبررسانی شفاف در جامعه وجود داشته است زیر فشارند و این فشار فشاری است که بیش از همیشه حق کار و امنیت شغلی آنان را تهدید می کند. ژورنالیستهای ایرانی آرش حسن نیا و علی اصغر سیدآبادی و مسئول بخش ایران سازمان گزارشگران بدون مرز، محمدرضا معینی در باره این فشار سخن می گویند.

دادگاه زهرا کاظمی و توقیف روزنامه ها

دادگاه رسیدگی به پرونده قتل خانم زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی کانادایی سرانجام رای خود را صادر کرد. قاضی فراهانی متهم پرونده، کارمند وزارت اطلاعات، محمدرضا اقدم احمدی را تبرئه کرد. متهمی برای این قتل وجود ندارد. قرار شد که خون بهای زهرا کاظمی را که بر اثر شکنجه در زندان اوین به قتل رسیده، دولت جمهوری اسلامی بپردازد. وکیلان خانواده زهرا کاظمی، خانم عبادی و آقایان دادخواه، سلطانی و سیف زاده، که همگی از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر در ایران اند، به این رای اعتراض دارند. آنها معتقدند که اگر قاضی فراهانی به مدارک آنان توجه می کرد و شهود معرفی شده از سوی آنان را به دادگاه فرامی خواند، مرتکب اصلی جنایت مشخص می شد. وکیلان درخواست تجدید نظر در رای دادگاه را کرده اند.

امینی لیگابو، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای بررسی وضعیت آزادی عقیده و بیان، که حدود ۹ ماه پیش به ایران سفر کرده و در گزارش خود در باره ایران به موضوع قتل خانم کاظمی نیز پرداخته بود، دیروز سه شنبه در بیانیه ای که همراه با دو گزارشگر دیگر سازمان ملل منتشر کرد به شدت به قوه قضاییه ایران انتقاد کرد که برای جلوگیری از مطرح شدن نام یکی از مقامهای ارشد قوه قضاییه به عنوان متهم اصلی و سرپوش نهادن بر واقعیت دادگاه را پایان داده است. سه گزارشگر سازمان ملل ابراز نگرانی کرده اند که این بیم می رود که با اعطای نوعی مصونیت به ماموران انتظامی و امنیتی زمینه تکرار چنین جنایتهایی فراهم آید.

در آستانه تشکیل دادگاه زهرا کاظمی نشریه نظری "آفتاب" و روزنامه های مستقل "وقایع اتفاقیه" و "جمهوریت" را بستند. همان هنگام گفته شد که این دو واقعه با هم در پیوندند: دادگاه زهرا کاظمی و بسته شدن مطبوعات، چون می خواهند جلوی خبررسانی شفاف گرفته شود. برای قدرتمندان روزنامه مستقلی که مردم را در جریان اخبار واقعی بگذارد ناخوشایند است. پیش از این هم همواره فشار بر مطبوعات وجود داشته است. از ابتدای انقلاب تا امروز نیز. بستن آفتاب، وقایع اتفاقیه و جمهوریت حلقه ای است از زنجیری که ادامه دارد و ظاهراً پایداری بر آن نیست.

تغییر جو سیاسی و پایداری حق کار و امنیت شغلی روزنامه نگاران مستقل

فشارهایی که در چند سال اخیر بر روزنامه نگاران وارد آمده، شکلهای گوناگونی داشته است. بسیاری از روزنامه نگاران هم اینک به خاطر روشنگریهای خود در زندان اند، بسیاری از مصاحبه کردن منع شده اند، برخی زیر نظر شدید ماموران امنیتی اند. آنان و خانواده های شان به زحمت زندگی خود را می چرخانند.

با قدرت گیری دوباره اقتدارگرایان و تغییر جو سیاسی عاملی مهم مطرح شده است، که هستی روزنامه نگاران مستقل و امنیت شغلی آنان را زیر سوال برده است. در حکم توقیف روزنامه وقایع اتفاقیه علت توقیف این روزنامه را استفاده از اعضای روزنامه توقیف شده یاس نو اعلام کردند. این بدان معناست که روزنامه نگاری که از دید مقامات نامطلوب به شمار آید ممکن است دیگر نتواند به کار خود ادامه دهد و ممکن است که دیگر اصلاً بیکار بماند. اما "هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد." این ماده بیست و سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در ایران این حق پامال می شود، زندگی و هستی روزنامه نگارانی که قلمی شفاف گر و منتقد دارند، در خطر است. آقای آرش حسن نیا، دبیر اقتصادی روزنامه توقیف شده وقایع اتفاقیه از کیفیت جدید در فشاری که بر روزنامه ها و روزنامه نگاران وارد می آید می گوید:

"مسئولان دستگاه قضایی با استفاده از یکی از بندهای قانون مطبوعات و تفسیری که از این بند قانونی داشته اند، استفاده ی روزنامه ی «وقایع اتفاقیه» از اعضای تحریریه ی «یاس نو» را بهانه ای قرار دادند برای توقیف روزنامه ی «وقایع اتفاقیه». خود این حکم به نوعی نشان دهنده ی این بود که فشارها از سطح روزنامه ها به سطح روزنامه نگارها منتقل شده است و این می تواند بسیار نگران کننده برای روزنامه نگاران ایرانی باشد و امنیت شغلی آنها را که در این سالها با خطر مواجه شده بوده اند، تهدید جدی تری کند."

پایداری حق کار، حق انتخاب آزادانه شغل و حق امنیت شغلی نه تنها بر زندگی فرد، بلکه بر کل جامعه تاثیرگذار است. در این باره آقای علی اصغر سیدآبادی، دبیر فرهنگی روزنامه توقیف شده وقایع اتفاقیه می گوید:

"چیزی که مشخص است و ما با گوشت و پوستمان لمس می کنیم، این است که این فشارها نهایتاً به اینجا منتهی می شود که این شغل شغل نامنی باشد و حق گوئی و حق نویسی و به خصوص نقد که لازمه ی هر حکومت و جامعه سالمی است و از نظر من در یک جامعه سالم بزرگترین عاملی که

وجود دارد نقد قدرت است. با این مسایل این نقد قدرت کم رنگ خواهد شد و زمانی که نقد قدرت کم رنگ شود، احتمال بالارفتن فساد بیشتر است. تمام این ها نتایج احتمالی ست که وجود دارد و آن نتیجه فوری که من فکر می کنم به دنبال آن هستند این است که عده ای که در این شغل به فعالیت مشغول هستند، از این شغل بیرون بروند. و چون امکان کارکردن در حال حاضر برای کسانی که روزنامه هایشان تعطیل می گردد، وجود ندارد، از نظر ما آن آزادی انتخاب شغل از بین رفته است و آزادی انتخاب شغل که در واقع یکی از آزادیهای حقوق بشری ست، حقی بشری و حقی طبیعی ست و حقی ست که قانون اساسی کشورمان هم در ۳، ۴ اصل بر آن تاکید کرده است. و نه تنها حق آزادی شغل را تاکید کرده است، بلکه دولت را موظف می داند که امکان اشتغال افراد را در آن حوزه هایی که مایل هستند فراهم کند.

روزنامه نگاران در برابر تهدید و فشار مقاومت می کنند. روز دوشنبه بیست و ششم ژوئیه، پنجم مرداد ماه، حدود ۳۰۰ روزنامه نگار با تجمع خود در محل «انجمن صنفی روزنامه نگاران» در تهران، به توقیف روزنامه ها و بازداشت روزنامه نگاران معترض و اصلاح طلب اعتراض کردند و به نشانه همین اعتراض دستهای خود را با طناب بستند. این بار حرکت اعتراضی آنان حرکتی است صنفی، حرکت شهروندانی است که از حق زندگی خود دفاع می کنند. برای آنان بیش از پیش موضوع حق امنیت شغلی و داشتن تامين اجتماعی و آینده ای روشن مطرح است. آنان برای این حرکت از خرد جمعی بهره می گیرند. نظرها و تصمیمها به بحث گذاشته می شود، رای گیری می شود. رای اکثریت پیش برنده تصمیمهاست. آرش حسن نیا می گوید:

«اگرچه ما تجمع های متعددی را در توقیف های قبلی شاهد بوده ایم، اما نوعا این تجمعات بیشتر شکل نمادین و با اعتراض بسیار اندکی همراه بوده است. اما این بار به نظر می رسد، چون تهدید شغلی روزنامه نگاران جدی تر شده است و در صنف روزنامه نگاران مباحثی چون تامین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و سایر بیمه ها و همین طور سایر حقوق صنفی ای که در نهادهای رسمی و قانونی برای تمامی اصناف وجود دارد، زیر پا گذاشته می شود، به نظر می آید حرکتی که آغاز شده، ممکن است که اهداف روزنامه نگاران را برآورده نکند و ما هم چندان امیدوار نیستیم که بتوانیم در این حرکت حقی را بگیریم، اما حداقل کاری ست که از سوی روزنامه نگاران شکل گرفته است... بحث هایی که مطرح می شود کاملا صنفی ست. به این دلیل که بچه ها نگران امنیت شغلی خود هستند، نگران آینده ی کاریشان هستند و به شدت از این بابت احساس نگرانی می کنند... یکی از مزایا و ویژگیهایی که در این حرکت جدید روزنامه نگارها شکل گرفته است، تصمیم گیری براساس عقل جمعی ست. واقعا نه کسی در این حرکت پیشروست و نه کسی دنباله روی سایرین است.»

در وضعیتی که سرکوب مطبوعات مستقل جریان دارد، خبررسانی به پهنه همگانی دشوار است. آنچه اما برای بسیاری از روزنامه نگاران اهمیت دارد آن است که در برابر ظلمی ایستادگی کنند، هستی خود را نجات دهند. علی اصغر سیدآبادی می گوید:

«ظلمی صورت گرفته و حقی از کسانی ضایع شده است. در واقع بازتاب نداشتن آن اهمیتی ندارد، بلکه مهم این است که ظلمی شده است و این ظلم باید جبران شود. ولی در هر حال بازتاب هم دارد و بازتابش هم این حمایت هایی ست که صورت می گیرد و همینطور جامعه ی ما نشان داده است که عکس العمل های همگون و یکجوری ندارد. یکبار با خاموشی عکس العمل نشان می دهد و بار دیگر با فریاد و ما نمی دانیم که اکنون چه می خواهد بکند.»

سازمان گزارشگران بدون مرز که سازمانی است بین المللی برای دفاع از حقوق ژورنالیستها در سراسر جهان در اطلاعیه اخیر خود از جنبش اعتراضی روزنامه نگاران ایران در دفاع از آزادی مطبوعات حمایت می کند. سخنگوی بخش ایران این سازمان، آقای محمدرضا معینی است که به دو جنبه مهم این جنبش اعتراضی اشاره دارد.:

«اعتراض روزنامه نگاران ایران دو جنبه ی واقعی دارد. اول اینکه، در رابطه با حق مسلمی ست که هر انسانی در سراسر جهان دارد و آن حق کار است. چیزی که آقای مرتضوی با حمایت دستگاه قضایی روزنامه نگاران ایران را از آن محروم کرده است. یعنی دقیقا به این دلیل دو روزنامه ی «وقایع اتفاقیه» توقیف شده است و «جمهوریت» از انتشار بازمانده است، به این دلیل که روزنامه نگاران آن مورد تایید دستگاه قضایی ایران نیستند. این عملا هم با قانون اساسی ایران، هم با تمام کنوانسیونها و میثاقهایی که جمهوری اسلامی امضا کرده و متعهد به اجرای آنها شده است و هم بنابر اعلامیه جهانی حقوق بشر تناقض دارد و مغایر است.

دوم پنهان کاری آقای مرتضوی ست. یعنی آقای مرتضوی وقتی که مسئولین روزنامه ها را در آنجا دعوت کرده است، به دروغ وادارشان کرده است که خودشان اعلام کنند، که ما خواستیم این توقیف صورت بگیرد به دلیل اینکه کنترل روزنامه را نداریم. آقای مرتضوی، همانگونه که همه می دانند، تحت حمایت مستقیم سید علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، است. چیزی که ما در اطلاعیه مان بر آن تاکید کرده ایم و با این حمایتها است که ایشان جرئت می کنند به این کارها دست بزنند. منظور از این کارها یعنی به طور مشخص بعد از سالها توقیف و دستگیری منظم و سیستماتیک روزنامه نگارها، الان

به روزنامه نگارها می گویند که شما حق فعالیت و حق کار ندارید. این به نظر من، همانطوری که خود روزنامه نگارها هم در اطلاعیه ای که داده اند، تاکید کرده اند، آینده ای تاریک برای ایران ترسیم می کنند.

پرونده زیبا(زهرا) کاظمی

بیانیهی وکلای خانواده زهرا کاظمی: بازپرس مستقل جهت کشف حقیقت تعیین شود
ایسنا - چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

سیدمحمدعلی دادخواه، عبدالفتاح سلطانی، سیدمحمد سیف زاده و شیرین عبادی، وکیلان اولیای دم زهرا کاظمی در بیانیه ای از رییس قوهی قضاییه تقاضا کردند که با تعیین بازپرس مستقل ویژه ای - که خارج از نظارت دادسرا باشد - و صدور دستور بازسازی صحنه توسط متخصصان امر و کارشناسان اطلاعاتی، گامی موثر جهت کشف حقیقت بردارند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در این بیانیه با اشاره به انتشار اطلاعیهی روابط عمومی دادگستری استان تهران در رابطه با قتل زهرا کاظمی آمده است که بر اساس آنچه در اطلاعیه عنوان شده، حداقل، دلایلی از جمله شهادت چندین نفر از شهود حاضر در صحنه حکایت از این دارد که یکی از مسوولان زندان اوین در هنگام دستگیری غیرقانونی مرحومه، ضربه ای به سمت چپ سر و صورت آن مرحومه وارد کرده که موجب شکستگی استخوان جمجمه و بیهوشی و شوکه شدن آن مرحومه شده است و دلایلی متقنی برای اثبات این ادعا وجود دارد و وزارت اطلاعات به صراحت اعلام کرده که حاضر است با حضور متخصصان و کارشناسان، صحنه را بازسازی نماید و مقصر یا مقصران را به دستگاه عدالت بسپارد. حال این پرسش برای هر انسان بی طرفی مطرح است که چرا مسوولان ذی ربط از چنین پیشنهادی استقبال نکرده و از انجام آن امتناع کرده اند؟ به ویژه آن که در کلیه پرونده های که اتهام مطرح شده توسط شاکی یا شکات پرونده، قتل عمد است، بازسازی صحنه از امور ضروری و بایسته ای است که همه ی متخصصان بر صحت این امر اذعان دارند و بدان عمل می کنند.

در این بیانیه با اشاره به این که پرونده مرگ زهرا کاظمی ویژگی های فراملی پیدا کرده و عدم وصول به حقیقت می تواند آسیب های جبرانناپذیری به حینیت این مرز و بوم وارد کند، اظهار امیدواری شده است که مسوولان امر، آبروی مملکت را فدای مصلحت های بی جا و قانون شکنی های چند قانون گریز نکنند. در ادامه ی بیانیه ی وکیلان اولیای دم زهرا کاظمی آمده است: در اطلاعیه ی مذکور فرضیه ای مطرح شده که نه فقط هیچ اثری از چنین فرضیه ای در پرونده امر وجود ندارد، بلکه دلایل مقتضی بر مورد ضرب و شتم قرار گرفتن مرحومه زهرا کاظمی در دو مرحله وجود دارد که در فرصت مناسب به اطلاع عموم خواهد رسید.

توضیح این که اگر آن عده ی قلیل قانون شکن ریگی به کفش نداشتند چرا دست به سرپوش گذاشتن بر حقیقت کرده اند؟

دادخواه، سلطانی، سیف زاده و شیرین عبادی در این بیانیه آورده اند:

- چرا در اولین صورت جلسه مورخ ۸۲/۴/۲ مربوط به دستگیری خانم زهرا کاظمی الحاق و جعل صورت گرفته است؟ توضیح این که در لایحه و پیوست های تقدیمی، وکیل محترم متهم نیز به این امر تصریح شده است.

- چرا در دفاتر وقایع زندان دستکاری شده است؟

- چرا اوراق مربوط به معاینه خانم زهرا کاظمی و مراجعات وی به بهداری در روزهای دوم و سوم و چهارم تیرماه در پرونده وجود ندارد؟

- چرا هویت مقام بازجو کننده خانم زهرا کاظمی در ساعت ۲۲:۳۰ شامگاه - ۸۲/۴/۲ الی ۲/۳۰ بامداد ۸۲/۴/۳ پنهان نگاهداشته شده است؟ و حال آن که حسب اوراق پرونده، بازجویی در حضور دادستان عمومی تهران و یکی از معاونین وی انجام شده است ولی بخشی از اوراق بازجویی ۴ ساعته در پرونده وجود ندارد و بخشی که وجود دارد نیز به دستخط و امضای هیچ کدام از دو مقام مذکور نیست. - با این که سرکشی به زندانیان، آن هم در نیمه شب و بند زنان از وظایف روسای حفاظت اطلاعات است، چرا در شامگاه دوم و سوم تیرماه ۸۲ شخصی که از مقامات حفاظت اطلاعات زندان بوده، تلفنی و حضوری با بند محل نگاهداری مرحومه زهرا کاظمی ارتباط داشته است؟ این امر، اقدامی غیر معمول است.

- با وجود این که طبق گزارش پزشکان از جمله پزشک زندان مرحومه زهرا کاظمی بر اثر ضربه یا ضربات وارده به سر، که نوعا کشنده بوده و منجر به شکستگی جمجمه شده است. در نیمروز ۸۲/۴/۶ دچار ضایعات برگشت ناپذیر مغزی و مرگ مغزی شده است، عده ای تلاش در به تاخیر انداختن تاریخ وی و علت مرگ آن نموده اند و از جمله علت مرگ را سکنه مغزی اعلام نموده اند؟

وکیلان اولیای دم زهرا کاظمی در این بیانیه با انتقاد از این که نسبت به صحت گفته های شهود، تحقیق نشده، مدعی شده اند که چندین سرباز در حضور بازپرس، ضارب مرحومه کاظمی را معرفی کرده اند ولی در ادامه تحقیقات، از شهادت خود عدول نموده اند و مدعی شده اند که عده ای از ماموران وزارت

اطلاعات آن‌ها را تهدید و تطمیع کرده‌اند. چرا در خصوص این ادعای سربازان مذکور تحقیق نشده و مقصران معرفی نشده‌اند؟

در ادامه، استناد دادگاه بدوی به ماده‌ی ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی شگفتی خوانده شده و آمده است: ماده مذکور مربوط به موردی است که شخصی در اثر ازدحام جمعیت به قتل برسد یا جسدی در شارع عام پیدا شود و حال آن که زهرا کاظمی از شمول ماده‌ی ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی خروج موضوعی دارد.

دادخواه، سلطانی، سیف زاده و شیرین عبادی این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا نفس ضرب و شتم و قتل خانم بی‌گناهی در محلی محصور و حفاظت شده که اصولاً دوربین‌های متعددی برای کنترل آن باید در جای جای آن تعبیه شده باشد و از دیرباز به عنوان یک زندان امنیتی شناخته شده است و اظهار عجز از معرفی قاتل یا قاتلان نشان‌گر ضعف سیستم تحقیقات یا خروج آن از بی‌طرفی نیست؟ اگر دادسرا نتواند قاتل یا قاتلین شناخته شده‌ای در چنین محل حفاظت شده‌ای را شناسایی نماید، چگونه می‌تواند در سایر موارد نسبت به کشف جرایم اقدام کند؟

وکیلان اولیای دم زهرا کاظمی در این بیانیه عنوان کرده‌اند که به انتظار می‌نشینیم تا عقلا و مسوولان دلسوز این مرز و بوم چاره‌ای بیندیشند و اجازه ندهند که چند نفر قانون‌شکن و قانون‌گریز - در هر منصب و مقامی که باشند - بی‌رحمانه با آبرو و حیثیت ملت سرافراز ایران بازی کنند.

مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

تحلیل "مهر": کالبد شکافی تهدیدات نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا
چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

تهدیدهای و جنگ روانی هفته‌های گذشته کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا که از ادبیات گستاخانه و خصمانه‌ای برخوردار بود توجه همگان را به جایگاه ایران و میزان نقش آن در رقابت آینده انتخاباتی آمریکا جلب کرد ولی بسیاری می‌دانند که این شعارهای فریبنده تاریخ مصرفی به درازای عمر انتخابات بیشتر ندارند.

در اخبار هفته گذشته سیر حملات تبلیغاتی از سوی برخی مقامات سیاسی بویژه از سوی نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا علیه ایران نشان از فضای خاصی داشته که در آن شرایط این افراد با انواع تهدیدها و فشارها سعی داشته‌اند تا با تاکید بر این ادبیات خصمانه به یک نقطه کانونی اشاره داشته باشند که بسیاری از تحلیلگران از آن بعنوان استراتژی باز دارنده ایالات متحده یاد کرده‌اند.

این در حالی است که فضای تبلیغاتی، رسانه‌ای و حتی همایشهای علمی و پژوهشی برگزار شده در آمریکا در هفته‌های گذشته بر این محور تمرکز یافته بود همچنانکه در طول هفته‌های اخیر همایشهای مختلفی برای بررسی مسائل مختلف ایران و استراتژی آمریکا در قبال تهران همانند "سایه‌ای بر فراز تهران" تشکیل شد که در آن برنامه‌های هسته‌ای، جنگ تحمیلی صدام علیه ایران و روابط تهران و واشنگتن مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

نکته جالب توجه در تمامی این همایشهای علمی و پژوهشی این بود که پژوهشگران و کارشناسان حوزه‌های مختلف مطالعاتی متفق القول بودند که سیاست آمریکا در قبال ایران که تاکنون بر محور سیاست بازدارندگی استوار بوده و در آن از راه تهدید و اعمال تحریم با تهران برخورد شده، شدیداً مورد انتقاد و نفی قرار گرفته بود. آنها به دولت بوش متذکر شدند که شرایط زمانی ایجاب می‌کند آن کشور استراتژی خود در قبال تهران را تغییر دهد چرا که آنها اظهارداشتند در حال حاضر احساس می‌کنند آمریکا در حال حاضر با نوعی بازدارندگی وارونه از سوی تهران مواجه است.

آنها تلاش کردند تا به سردمداران و مقامات کاخ سفید بفهمانند که ایران تلاش می‌کند با در معرض خطر قرار دادن و تهدید منافع آمریکا در کانونهای نزدیک این کشور بویژه در کشورهای همسایه آن مانند افغانستان و عراق بنوعی سیاستمداران آمریکایی را به چالش بکشاند. آنها اذعان کردند که این موضوع و بعضاً اشارات لفظی دولتمردان ایرانی مبنی بر چالش کشانیدن منافع آمریکا در خاورمیانه مقامات آن کشور را دچار واهمه کرده است که این مسئله از دیدگاه سخنرانان این همایشهای علمی به ضرورت تغییر سیاستهای آمریکا علیه ایران تعبیر گردیده است.

در چنین فضایی بود که مقامات رسمی آمریکا از بوش، رامسفلد و پاول گرفته تا برخی دیگر همانند سخنگوی کاخ سفید در هفته‌های گذشته به تهدید و ارباب علیه ایران پرداختند بگونه‌ای که بسیاری معتقد بودند فضای ضد ایرانی حاکم بر کاخ سفید و حتی در بسیاری از شهرهای آمریکا به دلیل رقابتهای انتخاباتی نشانه‌ای از وقوع حادثه‌ای مهم در روزهای آینده می‌باشد.

در ارزیابی علل این تهدیدات و حملات خصمانه بطور کلی می‌توان چند علت اساسی را مورد توجه قرار داد.

1- بسیاری در یک برداشت عمومی و ساده این موضوع یعنی حملات هماهنگ مقامات ایالات متحده را به فضای نفس‌گیر انتخاباتی مربوط می‌دانند و متذکر می‌شوند که در ایام تبلیغات انتخاباتی مسائل

بسیار اساسی و سرنوشت ساز دستاویز رقابتی حزبی شده و آنها تلاش می کنند با هیجان و ارایه شعارهای دهن پرکن جامعه را به سوی خود جلب نمایند و چون موضوع ایران از اساسی ترین مسائل فعلی آمریکاست سپس مقامات آمریکا به این مسئله توجه کافی داشته اند.

2- دومین دیدگاه به گونه ای دیگر به این مسئله توجه دارد و آن اینکه در همین فضای انتخاباتی این هنر رقیب است که می خواهد از شرایط بوجود آمده استفاده کرده و به کاخ نشینان سفید فشار آورد که سیاستهای آنها در بسیاری موارد از جمله در مورد ایران از مشکلات جدی تر برخوردار بوده و با عناوینی همچون فقدان انسجام ، خلا استراتژیک و ناکار آمد بودن آنها را تخطئه نماید. این مسئله در روزهای گذشته در سخنان جان کری نامزد حزب دمکرات و دیگر همکاران وی در نشست چهار روزه تبیین استراتژی حزب دمکرات برای معرفی کری به جامعه آمریکا بوضوح بچشم می خورد .

3- سومین دیدگاه حکایت از فضایی دیگر دارد و آن اینکه با عنایت به اساسی بودن موضوع و جایگاه ایران در سیاست خارجی و تاثیر سرنوشت ساز پرونده ایران در انتخابات ریاست جمهوری بنوعی این فشار همه جانبه با هدف و نیت دیگری صورت می گیرد و آن اینکه این همه تلاش و ابراز دشمنی و سیاست خصمانه برای تسلیم حریف و رها کردن صحنه به نفع آنها می باشد یعنی اینکه بسیاری از تحلیلگران داخلی و خارجی می گویند که این حملات پراکنده و پر حجم نشان از سردرگمی نامزدهای انتخاباتی داشته و آنها تلاش دارند براساس فرهنگ و تمدن و اصالتهای جامعه خود که همانا در بسیاری موارد براساس زور سرنیزه و تفنگ می باشد به طرف دیگر فشار آورند تا دست از اهداف و عقاید خود بردارند . آنها معتقدند در صورتی که هر یک از دو حزب جمهوری خواه و یا دمکرات بتوانند قبل از انتخابات چشم اندازی از آینده روابط با ایران ارایه دهند برای مردم آمریکا بسیاری جذاب و جالب توجه است و لذا از مجموعه عوامل و مسائل مورد توجه آمریکاییان بویژه مسائلی همچون بحران عراق ، مسائل هسته ای و مبارزه با تروریسم و دیگر موارد مشابه رقم خوردن مناسب پرونده ایران می تواند جامعه آمریکا را به سوی یک نامزد جلب نماید.

به همین جهت تبلیغات سرسام آور و جنجال آفرینی روزهای گذشته در چنین فضایی شکل گرفته است که رسانه ها و محافل مختلف مطبوعاتی نیز تلاش کردند تا فقط صدای طنین آن را برای جهانیان انعکاس دهند بدون اینکه بخواهند از واقعیت مسئله چیزی را کشف و در معرض قضاوت عموم بویژه افکار عمومی بگذارند.

تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی- آژانس بین المللی انرژی

آلمان از برنامه‌های اتمی صلح آمیز ایران اظهار نگرانی کرد

چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

خبرگزاری فارس: در پی انتشار گزارش‌هایی مبنی بر قصد ایران برای از سرگیری ساخت قطعات سانتریفوژ، یوشکا فیشر وزیر امور خارجه آلمان از فعالیت‌های هسته‌ای ایران اظهار نگرانی کرد. فیشر امروز در مصاحبه‌ای با شبکه خبری "ان تی وی" گفت: «امیدوارم تهران این مساله را درک کند که روش درستی را در پیش نگرفته است.»

ایران در اکتبر سال گذشته با سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس درخصوص تعلیق غنی سازی اورانیوم توافق کرد و به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امکان دسترسی به مراکز هسته‌ای را خویش داد.

جمهوری اسلامی ایران همچنین برای نشان دادن حسن نیت خود علاوه بر امضا کردن پروتکل الحاقی پیمان منع تولید تسلیحات اتمی، ساخت و مونتاژ قطعات سانتریفوژ را به حال تعلیق در آورد. سه کشور اروپایی نیز به ازای آن متعهد شدند پرونده هسته‌ای ایران را در نشست ماه ژوئن شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ببندند. اما به دنبال عمل نکردن اروپا به این وعده جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرد به توافق تعلیق غنی سازی اورانیوم پایبند است اما در خصوص تعلیق تولید و قطعه سازی سانتریفوژ تجدید نظر خواهد کرد.

فیشر افزود: «ایران بایستی به ادامه مسیر از طریق دري که ما گشودیم علاقه نشان دهد.»

رویدادهای عراق ، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

انفجارهای پیاپی در بعقوبه، 21 کشته و 40 زخمی برجای گذاشت.

چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

به گزارش سرویس بین الملل ایلنا، در پی انفجاری خودرویی بمب گذاری شده در برابر مقر پلیس نجده در بعقوبه، 20 عراقی و يك سرباز آمریکایی کشته و بیش از 40 نفر زخمی شدند.

به گزارش پایگاه اینترنتی ایلاف، "محمد جاسم"، افسر پلیس بعقوبه، گفت: انفجار در ساعت 9:30 به وقت محلی به وقوع پیوست. در زمان انفجار، شمار زیادی از جوانان در مقابل مقر پلیس حضور داشته و يك دستگاه اتوبوس پر از مسافر در حال گذر از محل بوده‌است.

وی در ادامه افزود: پلیس برای متفرق ساختن مردم پس از وقوع انفجار، اقدام به شلیک تیر هوایی کرد.

به گزارش پایگاه اینترنتی الجزیره، منابع خبری همچنین از کشته شدن یک سرباز آمریکایی در این انفجار خبر می‌دهند. احتمالاً هدف این عملیات، یک گشتی نظامیان آمریکایی بوده است. عملیات مذکور در منطقه "المفرق" واقع در مرکز شهر بعقوبه به وقوع پیوست. به گزارش سرویس بین الملل ایلنا، پلیس عراق از افزایش شمار قربانیان حملات بعقوبه خبر می‌دهد. گفته می‌شود درحمله امروز در بعقوبه، تا به حال بیش از 50 نفر کشته و بیش از 70 نفر زخمی شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، احتمال می‌رود هدف انفجار خودروی بمب گذاری شده در مقابل پایگاه پلیس جده در بعقوبه، یک گشتی نظامی آمریکایی بوده باشد. حدود 2 هفته پیش نیز در پی یک عملیات انتحاری در مقابل پایگاه پلیس بعقوبه، یک کامیون حامل نفت منفجر و در پی آن 9 نفر کشته و بیش از 60 نفر زخمی شدند.

یک پلیس عراقی در شهر رمادی کشته شد.

به گزارش سرویس بین الملل ایلنا، "غنی محمود"، یکی از نیروهای پلیس رمادی، به ضرب گلوله افراد ناشناس کشته شد.

به گزارش پایگاه اینترنتی محیط از بغداد، بنا به اظهارات شاهدان عینی، "غنی محمود" به همراه راننده‌اش، هنگام عبور از مقر پلیس منطقه ملعب در شرق رمادی هدف گلوله مهاجمین قرار گرفتند. در پی این حمله، راننده وی به شدت مجروح شد.

در انفجار روز گذشته در بغداد نیز، یک عراقی کشته و یک تن دیگر زخمی شد. این انفجار در منطقه سبز در مرکز بغداد، یعنی مقر نیروهای آمریکایی در عراق و همچنین ساختمان سفارت آمریکا و کاخ کنفرانس‌ها به وقوع پیوست. در پی این حادثه، چندین دستگاه خودرو نیز منفجر و به دیوارهای ساختمان‌های اطراف محل حادثه نیز، خساراتی وارد شد. گفتنی است؛ رمادی در غرب بغداد واقع شده است.

4 سرباز نیروی ائتلاف در موصل زخمی شدند.

به گزارش سرویس بین الملل ایلنا، در پی برخورد یک خودروی نظامی با یک مین در موصل، 3 سرباز آلبانیایی و یک سرباز آمریکایی مجروح شدند. به گزارش پایگاه اینترنتی محیط از بغداد، در بیانیه صادره از سوی وزارت دفاع آلبانی اعلام شده است: این 4 سرباز در یک خودروی نظامی در حال گشتزنی در نواحی اطراف فرودگاه موصل بوده‌اند که خودروی آنها با مین برخورد می‌کند.

"اگلی حسنی"، سخنگوی وزارت دفاع آلبانی، گفت: یک سرباز آمریکایی و یک سرباز آلبانی همچنان تحت مراقبت هستند اما دو سرباز آلبانیایی دیگر از بیمارستان مرخص شده‌اند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های صبح تهران: 7 مرداد

بی بی سی - چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

سفر نخست وزیر ترکیه به تهران، ادامه حمایت از نامزدی میرحسین موسوی برای ریاست جمهوری آینده، واکنش وزارت خارجه ایران به تحت حفاظت آمریکا قرار گرفتن مجاهدین خلق مستقر در عراق و بازداشت عطاالله مهاجرانی از جمله اخبار روزنامه های امروز صبح تهران است.

دو روز پس از صدور حکم گفتگو برانگیز تیرنه منم به قتل زهرا کاظمی، روزنامه های امروز صبح از اطلاعیه تندی خبر داده که قوه قضاییه علیه سخنگوی دولت صادر کرده و وی را به بی اطلاعی و غرض ورزی متهم کرده و گفته است که حرف نهایی را درباره هر پرونده را فاضی می زند.

علت اصلی صدور اطلاعیه قوه قضاییه اظهارات سخنگوی دولت به خصوص جمله ای است که وی در آخرین جلسه مطبوعاتی خود اظهار داشت و گفت وزارت اطلاعات حاضر است قاتل زهرا کاظمی را شناسایی کند.

به نوشته **جام جم** روابط عمومی قوه قضاییه تاکید کرده که با بررسی های انجام شده دیگر وزارت اطلاعات نمی تواند سند و ادعایی داده باشد.

تاکید قوه قضاییه بر پایان رسیدگی به پرونده قتل خبرنگار عکاس ایرانی - کانادایی در زمانی صورت می گیرد که روزنامه های تهران به نقل از منابع خارجی نوشته اند که خانواده مقتول و وکیلان وی نسبت به وضعیت رسیدگی در دادگاه انتقاد دارند و در کانادا هم رسانه های همگانی از دولت خواسته اند که از مداخلات با ایران دست بردارد و جدی تر از پیش مساله قتل تبعه آن کشور را که در زندان اوین درگذشت روشن کنند.

اطلاعیه قوه قضاییه به نوشته **رسالت** از عبدالله رمضان زاده پرسیده که چرا در گفته های خود به مساله قتل کیوان تابش، یک ایرانی تبعه کانادا، توجه نداده در حالی که می بایست غیرت ملی و میهنی به خرج می داد و در هنگام پرداختن به موضوع خانم کاظمی حداقل به صورت مساوی در مصاحبه های خود به قتل جوان ایرانی که در کانادا توسط پلیس آن کشور به قتل رسیده می پرداخت. دومین خبری که قوه قضاییه برای روزنامه های امروز صبح ساخته دستگیری عطاالله مهاجرانی وزیر سابق ارشاد است که در روزنامه های مختلف امروز بدون هیچ تحلیلی چاپ شده است.

اعتماد در ادامه این خبر به یاد آورده که شش ماه پیش وقتی برای اولین بار مهاجرانی به شکایت یک زن که ادعا کرده همسر ثبت قانونی نشده او بوده است به دادگستری فراخوانده شد، حمیله کدیور، نماینده سابق مردم تهران در مجلس و همسر آقای مهاجرانی، انتشار این اخبار را تلاشی برای مخدوش کردن چهره شوهر خود خوانده و اظهار داشته بود که این گونه اخبار تلاش می کند مهاجرانی را در مرحله انتخابات آتی به چهره ای سوخته تبدیل کند.

دیروز برای اولین بار یک سایت اینترنتی متعلق به محافظه کاران خبر داد که مهاجرانی به علت ناتوانی در تامین وثیقه بیست میلیون تومانی به زندان منتقل شده است.

به نوشته روزنامه **ایران** طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، وارد تهران شده و از امروز دیدارهای رسمی خود را آغاز می کند و **شرق** نوشته است که رییس دولت ترکیه با تاکید بر همکاری های دو کشور در زمینه مسایل امنیتی از ایران خواهد خواست که گروه کرد پ.کا.کا را گروهی تروریستی اعلام دارد.

به نوشته **شرق** اردوغان در آستانه سفر به تهران تاکید کرده است که درمورد سرنوشت آتی عراق، تامین صلح و ثبات و آرامش در عراق با ایران اتفاق نظر دارند.

در همین حال، مخالفت محافظه کاران با ادامه کار شرکت های ترکیه ای در فرودگاه بین المللی تهران ادامه دارد و به نوشته **آفتاب یزد** احمد توکلی، نماینده تهران در مجلس، با بیان اینکه امضای قرارداد با شرکت ترکیه ای "تاو" هزار برابر ننگین تر از قرارداد ترکمانچای است، گفته است: اگر وزیر راه این قرارداد را امضا کند استیضاحش قطعی خواهد بود.

سه ماه پیش طی قراردادی بین ایران و ترکیه قرار شد شرکت ترکیه ای "تاو" خدمات فرودگاه امام خمینی تهران را عهده دار شود.

همشهری خبر داده که مقام های ارشد سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس فردا در نشستی محرمانه در پاریس، درباره پرونده هسته ای ایران مذاکره خواهند کرد.

در همین حال، روزنامه **جمهوری اسلامی** به انتقادهای خود از وزارت خارجه ادامه داده و با اشاره به بحران های هسته ای و روابط ایران و اروپا، از حکومت اسرائیل مثال آورده و نوشته: گرچه این دولت و غاصب و نامشروع است، اما نمی توان صلابت متولیان آن را نادیده گرفت و به این واقعیت اعتراف نکرد که ای کاش مسئولان وزارتخارجه کشور ما نیز از چنین صلابتی برخوردار بودند چون آن ها در مواضع خود استوارند ولی ما در مواضعمان متزلزل هستیم .

روزنامه های امروز تهران از ادامه حمایت گروه ها و شخصیت هایی مانند آیت الله طاهری، امام جمعه سابق اصفهان، از نامزدی میرحسین موسوی برای ریاست جمهوری آینده خبر داده و در گزارش هایی به نقل و نقد واکنش محافظه کاران نسبت به این موضوع پرداخته اند.

شرق در سرمقاله خود نوشته ما به موسوی رای می دهیم تا همچنان بتوانیم از رییس جمهور انتقاد کنیم، نه اینکه این مقام نیز به زمره انتقادناپذیران بپیوندد. موسوی اما همچنان در تردید به سر می برد.

شرق در گزارشی نوشته ورود برخی از نمایندگان مجلس هفتم به مباحث فرهنگی جامعه، از قبیل تدوین آیین نامه حجاب و بحث فیلترگذاری سایت های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای، واکنش های متفاوتی را ایجاد کرده است.

به نوشته این روزنامه، بخشی از جامعه تاکید نمایندگان مجلس بر حفظ حجاب یا فیلترگذاری سایت های اینترنتی و ماهواره ای را نشانه ای تازه از احتمال محدودیت های اجتماعی تفسیر می کنند اما بخش عموماً مذهبی تر اعتقاد دارند پرداختن به حل مشکلات جامعه از قبیل پدیده بدحجابی و جلوگیری از گسترش سایت های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای یکی از وظایف فرهنگی مجلس است.

گوناگون

پروتکل کیوتو توسط 113 کشور امضا شده است

چهارشنبه 7 مرداد 1383 - 28 ژوئیه 2004

خبرگزاری فارس: رئیس طرح ملی تغییر آب و هوا صبح امروز در سمینار پروتکل کیوتو گفت: پروتکل کیوتو تاکنون توسط 113 کشور امضا شده که هر یک از اعضا به طور مستقل متعهد شده اند انتشار گازهای گلخانه ای را حذف یا کاهش دهند.

به گزارش خبرنگار اجتماعی فارس محمد سطنیه امروز در سمینار پروتکل کیوتو افزود: براساس این پروتکل اعضا متعهد شده اند انتشار گازهای گلخانه ای را حذف یا کاهش دهند به طوری که میزان انتشار 6 گاز گلخانه در کشورهای توسعه یافته در سالهای 2008 تا 2012 به 5/2 درصد زیر سطح انتشار سال 1990 کاهش یابد.

وی افزود: سیاستهای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای در سطح ملی، بهینه سازی مصرف سوخت، استعمال بیشتر از انرژیهای تجدید پذیر، گسترش تکنولوژیهای جدید، استفاده از روشهای جنگلداری و کشاورزی است که مورد توجه امضا کنندگان این پروتکل است .

وی گفت: کشورهای دیگر سیاستها و اقدامات مختلفی را مانند مالیات بر کربن، برنامه بهبود تکنولوژی، تدوین نظامنامه ها و برنامه تجارت و انتشار در سطح ملی را پیگیری می کنند.

رئیس طرح ملی تغییر آب و هوا ادامه داد: براساس این پروتکل کشورهای عضو در سطح بین‌المللی متعهد می‌شوند با اجرای این پروژه‌ها در سایر کشورها سیاست‌های کاهش انتشار را از لحاظ اقتصادی توجیه پذیر کنند.

محمد سلطانیه اظهار داشت: پروتکل کیوتو در تیر ماه 1382 با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان بهینه سازی مصرف سوخت کشور و برنامه عمران سازمان ملل متحده در تهران اجرا شده است.

کارشناس ارشد دفتر طرح ملی تغییر آب و هوا نیز در این سمینار گفت: انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش انرژی از منابع مختلفی مانند تبدیل انرژی در نیروگاه‌های و پالایشگاه‌ها و صنعت حمل و نقل، واحدهای مسکونی و تجاری کشاورزی و انتشارات فرار فعالیت‌های نفت، گاز و استخراج و تولید ذغال سنگ و احتراق گازها همراه است.

همچنین مدیر پژوهش موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی گفت: اگر طرح‌های مکانیزم توسعه پاک در کشورهای آسیایی اجرا شود 47 درصد این رقم را چین، 12 درصد هند و 12 درصد اندونزی به خود اختصاص می‌دهند.

مهران امیر معینی افزود: برای تبدیل سوخت 500 هزار خودرو سالانه به 700 میلیون دلار اعتبار نیاز است ضمن اینکه در صورت اجرای پروتکل کیوتو کشورهای تولید کننده نفت که دارای اقتصاد تک محصولی هستند با کاهش تقاضای جهانی سوخت‌های فسیلی در آینده مواجه می‌شوند که این امر کاهش صادرات محصولات نفتی را در آینده سبب می‌شود بنابراین سرعت بخشیدن به جایگزین سوخت‌های فسیلی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.